

از شور زیارت تا تفاهم و همزیستی؛ آنچه اجتماعات میلیونی به ما می‌آموزند!

هر اجتماع بزرگی، بیش از آنکه فقط تعداد انسان‌های حاضر در یک مکان را نشان دهد، ظرفیت یک جامعه برای کنار آمدن با «دیگری» را آشکار می‌کند. در این میان، اجتماعات زیارتی ویژگی متفاوتی دارند؛ زیرا انسان‌ها در آنها نه صرفاً برای حضور در یک مراسم، بلکه با یک انگیزه معنوی مشترک گرد هم می‌آیند. همین ویژگی، از اجتماعات زیارتی فرصتی کم‌نظیر برای نمایش ظرفیت اخلاقی و اجتماعی یک جامعه دینی می‌سازد.

اربعین یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های چنین اجتماعی است. میلیون‌ها انسان با زبان‌ها، ملیت‌ها، قومیت‌ها و گرایش‌های گوناگون، در فضایی مشترک کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. آنچه در چنین صحنه‌ای اهمیت پیدا می‌کند، فقط عظمت جمعیت یا گستردگی مراسم نیست؛ بلکه این پرسش است که آیا این جمع بزرگ می‌تواند «تفاوت» را تحمل کند و در عین حفظ هویت خود، برای دیگری نیز جایگاهی محترمانه قائل باشد؟

این پرسش، مسئله‌ای فراتر از اخلاق فردی است. به مسئله‌ای درباره آینده جوامع اسلامی و کیفیت روابط میان آنها مربوط می‌شود.

اجتماع دینی، زمانی قدرتمند است که ظرفیت پذیرش تفاوت داشته باشد

در جوامع متکثر، همزیستی به معنای یکسان شدن انسان‌ها نیست. شیعه، سنی، مسیحی، ایزدی، مسلمان یا غیرمسلمان، هرکدام می‌توانند هویت و باور خود را حفظ کنند و در عین حال در یک فضای اجتماعی مشترک با احترام زندگی کنند.

مشکل از جایی آغاز می‌شود که هویت دینی برای اثبات خود، به نفی دیگری نیاز پیدا کند.

در چنین وضعیتی، فرد برای اینکه خود را مؤمن‌تر، انقلابی‌تر، شیعه‌تر یا وفادارتر نشان دهد، ناچار می‌شود دیگری را تحقیر کند. گویی ارزش هویت او باید از کاهش ارزش هویت دیگران تأمین شود.

این منطق، با روح یک جامعه سالم سازگار نیست و اگر وارد مناسک مذهبی شود، آسیب آن چند برابر خواهد شد.

مراسم مذهبی نباید به صحنه‌ای تبدیل شود که در آن انسان‌ها برای اثبات تعلق خود، به گروه دیگری توهین کنند. هویت دینیِ بالغ، هویتی است که از استحکام درونی برخوردار است و برای اثبات خود نیازی به تحقیر دیگری ندارد.

وقتی اختلاف سیاسی وارد فضای معنوی می‌شود

یکی از چالش‌های امروز، ورود ادبیات منازعات سیاسی به فضای مناسک دینی است.

اختلاف سیاسی در هر جامعه‌ای طبیعی است. افراد می‌توانند درباره دولت‌ها، احزاب، سیاست‌ها و جریان‌های فکری دیدگاه‌های متفاوت داشته باشند. اما مشکل زمانی ایجاد می‌شود که ادبیات سیاسی پرتنش وارد محیط زیارت شود و مکان معنوی را به بستری برای توهین و حذف طرف مقابل تبدیل کند.

در اینجا مسئله بر سر دفاع یا مخالفت با یک جریان سیاسی نیست؛ مسئله، کیفیت رفتاری است که برای بیان این مخالفت انتخاب می‌کنیم.

می‌توان مخالف بود بدون اینکه تحقیر کرد.

می‌توان نقد کرد بدون اینکه دشنام داد.

می‌توان مرزبندی داشت بدون اینکه کرامت انسانی را انکار کرد.

و می‌توان از ارزش‌های خود دفاع کرد بدون اینکه دیگری را از دایره انسانیت خارج ساخت.

این تمایز ساده، یکی از مهم‌ترین نیازهای فرهنگی جوامع امروز است.

هر زائر، یک پیام‌رسان فرهنگی است

در گذشته، رفتار یک زائر عمدتاً در محدوده اطراف او دیده می‌شد؛ اما امروز چنین نیست.

دوربین تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جهانی باعث شده‌اند که رفتارهای کوچک نیز قابلیت انتشار گسترده پیدا کنند. یک رفتار نامناسب می‌تواند میلیون‌ها بار دیده شود و تصویری خاص از یک جامعه مذهبی ایجاد کند.

از سوی دیگر، یک رفتار انسانی و اخلاقی نیز می‌تواند به همان اندازه اثرگذار باشد.

کسی که در ازدحام به یک سالمند کمک می‌کند، راه را برای دیگری باز می‌کند، به زائر گمشده‌ای کمک می‌رساند، با زائری از مذهب یا کشور دیگر با احترام برخورد می‌کند یا بدون توجه به تفاوت‌ها به دیگری خدمت می‌کند، در واقع بیش از آنکه سخنرانی کند، درباره اسلام سخن گفته است.

این همان جایی است که «رفتار» به ابزار ارتباط فرهنگی تبدیل می‌شود.

در دنیای امروز، بخشی از تصویر اسلام نه در کتاب‌ها و کنفرانس‌ها، بلکه در همین برخوردهای روزمره ساخته می‌شود.

اربعین؛ فرصتی برای بازتعریف رابطه مسلمانان با یکدیگر

اربعین از این منظر ظرفیت بزرگی برای جهان اسلام دارد.

اگر میلیون‌ها مسلمان بتوانند در یک اجتماع گسترده، در کنار تفاوت‌های مذهبی، قومی و ملی، تجربه‌ای از همکاری، مهمان‌نوازی و احترام متقابل ایجاد کنند، این تجربه می‌تواند الگویی برای سایر عرصه‌های حیات اجتماعی جهان اسلام باشد.

جهان اسلام بیش از آنکه از نبود مشترکات رنج ببرد، از ناتوانی در تبدیل مشترکات به همکاری رنج می‌برد.

مسلمانان در بسیاری از اصول بنیادین اشتراک دارند، اما اختلافات تاریخی و سیاسی گاه چنان برجسته می‌شود که سرمایه‌های مشترک به حاشیه می‌روند.

اجتماعاتی مانند اربعین می‌توانند نشان دهند که تفاوت مذهبی الزاماً مانع همکاری نیست.

اما این ظرفیت تنها زمانی تحقق پیدا می‌کند که زبان و رفتار حاکم بر این اجتماعات، زبان کرامت و همدلی باشد، نه زبان تحقیر.

زیارتگاه را از منازعه روزمره جدا کنیم

یکی از ضرورت‌های فرهنگی امروز، حفظ «قداست اجتماعی» فضاهای زیارتی است.

مکان زیارت باید بتواند انسان را برای مدتی از منازعات روزمره جدا کند. این به معنای بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی نیست؛ بلکه به معنای آن است که هر فضایی کارکرد خاص خود را دارد.

اگر هر مناسبت مذهبی به تربیونی برای تسویه حساب سیاسی تبدیل شود، آرام‌آرام کارکرد اصلی مناسک دینی تضعیف می‌شود.

مردم برای تجربه معنویت، آرامش، دعا و ارتباط با خدا به زیارت می‌روند. نباید فضای معنوی را چنان تحت تأثیر نزاع‌های سیاسی قرار داد که زائر احساس کند حتی در این فضا نیز از هیاهوی اختلافات روزمره رهایی ندارد.

جامعه دینی به فضاهایی نیاز دارد که در آنها انسان‌ها بتوانند پیش از آنکه «طرفدار یک جریان» باشند، «انسان» باشند.

احترام به دیگری، عقب‌نشینی از عقیده نیست

یکی از سوء تفاهم‌های جدی درباره مدارا این است که گاهی احترام به دیگری به معنای ضعف در باور یا عقب‌نشینی اعتقادی تصور می‌شود.

در حالی که این دو موضوع اساساً متفاوت‌اند.

مدارا به معنای نسبی‌گرایی اعتقادی نیست.

احترام به انسان دیگر به معنای پذیرش تمام باورهای او نیست.

گفت‌وگو با پیروان مذهب دیگر به معنای کنار گذاشتن هویت مذهبی نیست.

و پرهیز از توهین نیز به معنای ناتوانی در دفاع از عقیده نیست.

اتفاقاً جامعه‌ای که از نظر فکری اعتماد به نفس بیشتری دارد، معمولاً توان بیشتری برای گفت‌وگو و تحمل تفاوت نشان می‌دهد.

هویت مستحکم، نیازی به خشونت زبانی ندارد.

سرمایه‌ای که ممکن است با چند کلمه از دست برود

اعتماد اجتماعی بسیار دشوار ساخته می‌شود و بسیار آسان آسیب می‌بیند.

سال‌ها تلاش علمی، فرهنگی و تبلیغی برای تقریب مذاهب ممکن است با یک رفتار توهین‌آمیز در یک فضای عمومی آسیب ببیند. ممکن است فردی که سال‌ها برای ایجاد ارتباط میان مسلمانان تلاش کرده است، در برابر تصویری قرار گیرد که در آن یک زائر به پیرو مذهب دیگری توهین می‌کند.

از منظر اجتماعی، این فقط یک «رفتار شخصی» نیست؛ زیرا دیگران ممکن است آن را نماینده یک گروه تلقی کنند.

به همین دلیل، مسئولیت اخلاقی افراد در اجتماعات بزرگ مذهبی بیشتر از محیط‌های خصوصی است.

هر زائر باید بداند که ممکن است رفتار او توسط دیگری به کل جامعه مذهبی او تعمیم داده شود.

این همان نقطه‌ای است که «مسئولیت فردی» به «مسئولیت اجتماعی» تبدیل می‌شود.

معیار بزرگی یک اجتماع، فقط تعداد افراد آن نیست

ممکن است میلیون‌ها نفر در یک مراسم شرکت کنند، اما پرسش مهم‌تر این باشد که این میلیون‌ها نفر چگونه با یکدیگر رفتار می‌کنند.

آیا قوی‌ترها به ضعیف‌ترها کمک می‌کنند؟

آیا افراد از حق خود برای رعایت حق دیگری می‌گذرند؟

آیا تفاوت‌های مذهبی باعث گفت‌وگو می‌شود یا دشمنی؟

آیا مخالف سیاسی همچنان صاحب کرامت تلقی می‌شود؟

آیا انسان در میان این جمعیت احساس امنیت، احترام و آرامش می‌کند؟

پاسخ به این پرسش‌هاست که کیفیت واقعی یک اجتماع دینی را مشخص می‌کند.

شکوه یک مراسم را می‌توان با تعداد زائران سنجید؛ اما بلوغ آن را باید با میزان کرامت، مدارا و مسئولیت‌پذیری حاضران سنجید.

از «همراهی در مسیر» به «همزیستی در جامعه»

شاید یکی از مهم‌ترین فرصت‌های مناسک جمعی این باشد که انسان‌ها برای مدتی تجربه کنند چگونه می‌توانند در کنار کسانی زندگی کنند که شبیه آنها نیستند.

این تجربه اگر درست فهم شود، می‌تواند از مرز مناسک فراتر برود.

کسی که در یک سفر زیارتی یاد می‌گیرد نوبت خود را رعایت کند، فضای دیگری را اشغال نکند، به زبان و فرهنگ زائر دیگر احترام بگذارد، هنگام اختلاف خویشتن‌داری کند و در برابر نیاز دیگری بی‌تفاوت نباشد، در واقع مهارت‌هایی را تمرین کرده است که جامعه برای ادامه حیات خود به آنها نیاز دارد.

به همین دلیل، زیارت می‌تواند یک تجربه تربیتی بزرگ باشد؛ تجربه‌ای که انسان را برای زندگی در

جامعه متکثر آماده می‌کند.

پایان راه، آغاز یک مسئولیت است

زیارت با بازگشت زائر به خانه پایان نمی‌یابد. آنچه در زیارت آموخته شده، باید به زندگی روزمره منتقل شود.

اگر انسان در زیارت صبر را تمرین کرده، باید در خانه و جامعه نیز صبورتر باشد.

اگر احترام به دیگری را تجربه کرده، باید پس از بازگشت نیز آن را حفظ کند.

اگر با پیروان مذاهب دیگر در کنار هم زندگی کرده، باید در جامعه نیز ظرفیت بیشتری برای گفت‌وگو داشته باشد.

و اگر در مسیر زیارت فهمیده است که اختلاف، مجوز دشمنی نیست، این فهم باید در رفتار سیاسی و اجتماعی او نیز دیده شود.

ارزش یک اجتماع مذهبی فقط به لحظه برگزاری آن نیست؛ به اثری است که پس از پایان آن در جامعه باقی می‌گذارد.

از این منظر، شاید یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای زیارت این باشد که انسان از آن با یک پرسش تازه بازگردد:

چگونه می‌توانم در جامعه‌ای که همه شبیه من نیستند، همچنان مؤمن بمانم و هم‌زمان برای دیگری نیز جای زندگی، احترام و کرامت قائل باشم؟

اگر زیارت بتواند چنین انسانی بسازد، آن‌گاه از یک مراسم عبادی فراتر رفته و به یک مدرسه اجتماعی و تمدنی تبدیل شده است؛ مدرسه‌ای که در آن، وحدت نه با حذف تفاوت‌ها، بلکه با یادگیری زندگی در کنار تفاوت‌ها شکل می‌گیرد.

